

«باربارا اسلاوین» در گفت و گو با «توسعه ایرانی»:

خطر «زیاده‌روی ایران در محاسبات خود» جدی است



حمیدرضا مهدیزاده

کشورمان در روزهای گذشته شاهد مراسم سوگواری، تشییع و خاکسپاری پیکر آیت‌الله خامنه‌ای در تهران، قم، نجف، کربلا و در نهایت مشهد بود. هم‌زمان ایرانیان چشم به ادامه مذاکرات فنی دوخته بودند که قرار بود اواسط هفته گذشته در اسلام‌آباد برگزار شود، ولی از شامگاه روز چهارشنبه، سپاه و سنتکام دوباره در «تنگه هرمز» به‌شدت با یکدیگر درگیر شدند. نیروی دریایی سپاه حداقل به سوی سه کشتی در تنگه هرمز شلیک کرد و وارد فاز تقابل نظامی مجدد با سنتکام شد؛ ایالات متحده نیز تعلیق دو ماهه تحریم‌های نفتی و پتروشیمی را مجدداً «لغو» کرد.

حال، نکته مهم اینجاست: «سپاری برای این باورند که اگر کاخ سفید با تکیه بر گزارش‌های جهت‌دار و خوانش نادرست از وقایع داخلی ایران در دی‌ماه ۱۴۰۴، دچار یک اشتباه محاسباتی استراتژیک نمی‌شود و بر پایه این فرض توهمی که جمهوری اسلامی تضعیف‌شده را می‌توان با ترکیبی از حملات هوایی آمریکا و اسرائیل و آشوب‌های مرزی به‌فروپاشی کشاند،- کوشش وویکتاف- راهی ژئومنی بود تا بازتست مذاکره، موارد جنگ شود؛ هرگز وقایع آن- شنبه‌لعنتی- رقم نمی‌خورد و محاسبات منطقه و جهان نیز این گونه درگون نمی‌شود» و بر همین مبنا، پرسش‌نهایی این است: «یا ترامپ پس از تور رهبر عالی و فرماندهان ارشد، به‌راه انداختن دو جنگ و عبور از مرزهای بی‌سابقه خشونت، اساساً ظرفیتی برای دیپلماسی با جمهوری اسلامی باقی گذاشته‌است؟»

برای پاسخ به نکته و پرسش فوق، به سراغ باربارا اسلاوین «Barbara Slavina» تحلیلگر ارشد آمریکایی و عضو پیشین شورای اتلانتیک، رفتم. او با صراحتی واقع‌بینانه معتقد است: ترامپ اکنون بیک «ردک لنگ» در سیاست آمریکاست که بیش از هر چیز نگران میراث شخصی و ثروت خویش است، تا پیشبرد یک جنگ تمام‌عیار دیگر با تهران. با این حال، او چشم‌انداز عادی‌سازی روابط یا لغو موثر تحریم‌ها را در شرایط کنونی- حتی با وجود تفاهم‌نامه موقت اسلام‌آباد- بسیار دور از ذهن می‌داند و در عین حال، به‌شدت نگران زیاده‌روی تهران در محاسبات خویش نسبت به ترامپ است.

خانم‌ها و آقایان، به «میز سیاست‌خارجی توسعه‌ایرانی» خوش آمدید.

باربارا اسلاوین عزیز، از این که درخواست من را برای مصاحبه با روزنامه «توسعه ایرانی» پذیرفتید، سپاسگزارم. در ابتدا، مایلم تأکید کنم که هم‌زمان با پایان مراسم سوگواری و تشییع

پیکر آیت‌الله علی خامنه‌ای در ایران و عراق، نه تنها برخلاف انتظار عمومی دور مذاکرات فنی میان جمهوری اسلامی و دولت ترامپ در اسلام‌آباد آغاز نشده که سپاه و سنتکام برای چندین بار با یکدیگر وارد درگیری شدند. پرسش اساسی اینجاست: چرا او بتکاف و کوشنر در ژنو با عراقی که کاملاً برای یک توافق آماده بود، به تفاهم نرسیدند تا آن «شنبه لعنتی» رقم بخورد؛ شنبه‌ای که آغازگر چهل روز جنگ تصورناپذیر شد و متأسفانه تبعات آن هنوز در حال نمایان شدن است؟

می‌پرسیم که چرا این‌طور به نظر می‌رسد که ترامپ بر اساس اعتراضات ژانویه- وقایع تلخ دی‌ماه- متقاعد شده بود که حکومت ایران ضعیف‌شده است و می‌توان آن را از طریق ترکیبی از حملات

هوایی آمریکا و اسرائیل و حملات زمینی شورشیان کردسرنگون کرد. یک توافق هسته‌ای دیگر از نوع برجام برای وی کافی نبود؛ کسی که دستورالعمل‌های متناقضی درباره غنی‌سازی اورانیوم و موارد دیگر به ویتکاف داده بود.

کاملاً واضح است که ترامپ دچار اشتباه محاسباتی شد و نتوانست توانایی ایران در بستن تنگه هرمز و حمله به اهدافی در کشورهای عربی را نادیده بگیرد. ترامپ می‌خواهد جنگ پایان یابد، اما نمی‌خواهد یک بازنده به نظر برسد. بنابراین، مذاکرات فعلی- با فرض اینکه در نهایت از سر گرفته شوند- احتمالاً طولانی و دشوار خواهند بود و همان‌طور که نمونه اخیرش را به‌درستی اشاره کردید، با دور جدیدی از حملات تلافی‌جویانه متقابل همراه خواهد شد.

پاسخ شما را درک و تأکید می‌کنم که من هم پیشگو نیستم، اما به عنوان پرسسش‌گر، باید به واقعیت‌های ساختاری نگاه کنم. به نظر شما چرا ناتو، و به‌ویژه بریتانیا- که به لحاظ سنتی سرسخت‌ترین متحد آمریکا به شمار می‌رود- از ورود به جنگ علیه ایران خودداری کردند؟ آیا ترامپ و نتانیاهو صرفاً آن قدر به یک پیروزی سریع و فروپاشی کامل جمهوری اسلامی اطمینان داشتند که نیازی به حمایت متحدان خود حس نمی‌کردند؟ یا اینکه متحدان غربی آمریکا از قبیل دریافته بودند که روایت «تغییر رژیم» که از کاخ سفید و تل‌آویو بیرون می‌آید، چیزی بیش از یک توهم نیست؟

خب، ترامپ به خودش زحمت نداد که با متحدان ناتو مشورت کند... اگر این

ترامپ بر اساس اعتراضات ژانویه- وقایع تلخ دی‌ماه- متقاعد شده بود که حکومت ایران ضعیف‌شده است و می‌توان آن را از طریق ترکیبی اسرائیل و حملات زمینی شورشیان کردسرنگون کرد. یک توافق هسته‌ای دیگر از نوع برجام برای وی کافی نبود؛ کسی که دستورالعمل‌های متناقضی درباره غنی‌سازی اورانیوم و موارد دیگر به ویتکاف داده بود

کار را می‌کرد، آن‌ها احتمالاً مخالفت می‌کردند، چرا که همچنان تمرکزشان بر حمایت از او کرایسن در برابر حملات روسیه است. ترامپ همچنین به دلیل جنگ ۱۲ روزه در ژوئن ۲۰۲۵- که آن را یک موفقیت بزرگ می‌دید- و نیز عملیات تکاوری که منجر به دستگیری رئیس‌جمهور ونزوئلا شد، دلگرم شده بود و تصور می‌کرد که ایالات متحده و اسرائیل می‌توانند به راحتی از پس یک ایران تضعیف‌شده برآیند.

فضای سیاسی فعلی در ایالات متحده را، به‌ویژه با نزدیک شدن به نوامبر و انتخابات میان‌دوره‌ای پیش‌رو، چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا روایت پیرومندان‌های که ترامپ و جمهوری خواهان پیرامون جنگ با ایران بسه‌راه‌انداخته‌اند، آن قدر در میان رای‌دهندگان راست‌گرا و

جمهوری خواهان سنتی‌ترین‌انداز هست که پیروزی آن‌ها را تضمین کند؟ یا اینکه واکنش‌های منفی و شدید افکار عمومی نسبت به پیامدهای اقتصادی این مناقشه و افزایش هزینه‌های زندگی، اکثریت جمهوری خواهان در کنگره را با خطری جدی مواجه کرده است؟

اکثریت جمهوری خواهان حتی پیش از جنگ هم در خطر بود، زیرا سیاست‌های تعرفه‌ای ترامپ موجب تشدید تورم و کاهش فرصت‌های شغلی جدید شده است. طرح اخراج دسته‌جمعی مهاجران غیرقانونی توسط ترامپ نیز با استقبال افکار عمومی مواجه نشده است؛ بنابراین، جنگ ایران به‌قول ما آمریکایی‌ها «قشنگ کار را تمام کرد» و به‌نقطه اوج وضعیت رسید. باید به‌قول شما ایرانیان «فوز بالای قوز» شد.

همچنین، نظرسنجی اخیر رویترز- ایپسوس که در بازه ۱۸ تا ۲۲ ژوئن انجام شد، نشان داد که تنها ۲۴ درصد آمریکایی‌ها معتقدند این جنگ ارزش هزینه‌هایش را داشته است.

همچنین تنها ۲۳ درصد او تنها نیمی از جمهوری خواهان (بر این باورند که ایالات متحده اکنون در موقعیت قوی‌تری قرار دارد.

ترامپ هرگز توضیح نداد که چرا وارد جنگ می‌شویم و طی چند ماه گذشته دلایل متغیری را مطرح کرد که در نهایت به این گزاره ختم شد: «ایران نیاید به سلاح هسته‌ای دست یابد»؛ هدفی که برای رسیدن به آن، اصلان‌بازی به جنگ نداشت

شاید کوبا، او زمین‌های گلف و طاق‌های یادبود بیشتری در واشنگتن خواهد ساخت و ثروت بیشتری برای خودش خواهد داشت جمع خواهد کرد.

علاوه بر این، اگر دموکرات‌ها مجلس نمایندگان را به دست بگیرند، دولت ترامپ درگیر انواع و اقسام تحقیقات و احتمالاً یک استیضاح ریاست‌جمهوری دیگر خواهد شد. بنابراین، خیر، من فکر نمی‌کنم بازگشت به یک جنگ تمام‌عیار در کار باشد. اما در عین حال، ممکن است ایران شاهدان نوع از کاهش تحریم‌ها که

برای بهبود وضعیت اقتصادی‌اش به آن نیاز دارد، نباشد و بحران ۴۷ ساله میان دو کشور همچنان ادامه یابد. این وضعیت نه برای ایران خوب است، نه برای ایالات متحده و نه برای منطقه. پرسشی که آن را از همه مهمانان آمریکایی خود می‌پرسم، این است: با توجه به شرایط فعلی، شما موضوع برقراری روابط دیپلماتیک تهران- واشنگتن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

با توجه به نقش ترامپ در دو جنگ ۱۲ روزه و ۴۰ روزه و تور قاسم سلیمانی به‌دستوری، برای من بسیار دشوار است که تغییر قطعی در روابط دو کشور را در دوران او متصور شوم. همچنین برایم سخت است تصور کنم که ایران امتیازاتی- به‌ویژه در موضوع هسته‌ای- واگذار کند که او را به لغو تحریم‌ها متقاعد سازد. بنابراین واقع‌بینانه به نظر نمی‌رسد که تصور کنیم روابط دو کشور حداقل در دولت دونالد ترامپ وارد فاز «عادی‌سازی» شود.

در پایان، همان‌طور که در جریان هستید، عصر سه‌شنبه و هم‌زمان با برگزاری مراسم تشییع پیکر آیت‌الله خامنه‌ای در عراق، خبری منتشر شد مبنی بر اینکه نیروی دریایی سپاه به‌سوی سه فروند شناور در تنگه هرمز شلیک کرده است. به‌طور هم‌زمان، ترامپ



ترامپ به خودش زحمت نداد که با متحدان ناتو مشورت کند... اگر این کار را می‌کرد، آن‌ها احتمالاً مخالفت می‌کردند، چرا که همچنان تمرکزشان بر حمایت از او کرایسن در برابر حملات روسیه است. ترامپ همچنین به دلیل جنگ ۱۲ روزه در ژوئن ۲۰۲۵- که آن را یک موفقیت بزرگ می‌دید- و نیز عملیات تکاوری که منجر به دستگیری رئیس‌جمهور ونزوئلا شد، دلگرم شده بود و تصور می‌کرد که ایالات متحده و اسرائیل می‌توانند به راحتی از پس یک ایران تضعیف‌شده برآیند

نیز که در ترکیه حضور داشت، با همان رویکرد دیپلماتی و آتی همیشگی خود، پایان تفاهم‌نامه اسلام‌آباد را اعلام کرد. متعاقب آن، پنتاگون حملاتی را به ده‌ها هدف در داخل خاک ایران انجام داد و در پاسخ، سپاه نیز ده پایگاه نظامی آمریکا را هدف قرار داد. در حال حاضر به نظر می‌رسد از شدت حملات تاحدودی کاسته شده و میانجی‌ها- خصوصاً قطری‌ها- به شدت فعال شده‌اند. ارزیابی شما از این تحولات جاری چیست؟

این‌ها تحولات ناگاری هستند، اما فکر نمی‌کنم که در حال بازگشت به یک جنگ تمام‌عیار باشیم. امیدوارم همان‌طور که اشاره کردید، گفتگو‌هایی از طریق کانال‌های پشتیبان (پشت‌پرده) برای حل و فصل مناقشه بر سر تنگه هرمز به‌شوی‌های مورد قبول طرفین، در جریان باشد.

دونالد ترامپ نسبت به این انتقاد که «جنگ رابخته و بحرانی (بحران هرمز) ایجاد کرده که قبل از حملات آمریکا و اسرائیل وجود نداشته»، بسیار حساس است. او همچنین از مخالفت ایران بابت دادن اجازه به بازرسی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از سایت‌های هسته‌ای آسیب‌دیده خود، کلافه شده است. باید تأکید کنم، با وجود این که من ترامپ را مقصر شروع این جنگ می‌دانم، اما این خطر نیز به‌طور جدی وجود دارد که ایران در محاسبات خود زیاده‌روی کند، در آن صورت، همه بیش از پیش بازنده خواهند بود.

وی با بیان این که این روزها، روز تجدید میثاق با رهبر شهید و تجدید بیعت با رهبر معظم انقلاب بود، خاطر نشان کرد: همه باید به این فکر باشند که در سایه وحدت، همدلی، یک‌رنگی و در کنار یکدیگر بودن، ان‌شاءالله هم بتوانیم انتقام خون امام شهید را بگیریم و هم برای فردای جامعه‌مان، تحت رهنمودهای رهبر معظم انقلاب، آینده‌ای روشن برای این ملت رقم‌زنیم. جوکار گفت: آنچه که امام شهید می‌فرمودند، این بود که وحدت، انسجام و همدلی می‌تواند دشمن را مأیوس کند. وی یادآور شد: امروز رهبر انقلاب هم در مقاطع متعددی وحدت و انسجام سفارش کرده‌اند. اگر واقعاً در مسیر ولایت حرکت کنیم و آنچه را که ولایت امر می‌کند رعایت کنیم، مشکل حل خواهد شد اما اگر بخواییم جلوتر از رهبری حرکت کنیم یا از رهبری عقب‌مانیم و از ولایت دور شویم، مشکلاتی پیش خواهد آمد که قدر مسلم دشمن از این فضاها استفاده خواهد کرد.

این نماینده مجلس شورای اسلامی تأکید کرد: دشمن به دنبال ایجاد دو قطبی در جامعه است و باید به شدت مراقب این موضوع باشیم و از آن هر پزیر کنیم برادوقطبی شدن جامعه به نفع دشمن خواهد بود. ملت، یکپارچه است. همان‌گونه که گفتیم، یک خدا دارد، یک ملت داریم و یک رهبر داریم. این موضوع اهمیت دارد. بنابراین باید در مسیر حرکت کنیم. همه تشییع پیکر مطهر امام شهید را به رخ دشمن بکشند. دشمن به‌شدت از این حضور عصبانی است و باید به گونه‌ای عمل کنیم که از این عصبانیت عبیرد و ان‌شاءالله تقاض خون شهدایمان هم گرفته شود.



امروز جامعه باید یکپارچه‌جاو با وحدت کامل باشد. آنچه را که فریاد داریم، باید بر سر آمریکا بکشیم؛ اگر می‌خواهیم انتقام خون شهدا و امام شهید را بگیریم، این امر یقیناً در سایه وحدت تحقق پیدا خواهد کرد. قدر مسلم، فریاد مردم و عاشقان امام شهید، انتقام خون شهید و خون امام شهید است. امریکایی‌ها نباید با ما سازش‌گو باشند. این ملت دست‌از سر کسانیکه شرارت و جنایت کرده‌اند، بر نخواهد داشت. این فریاد را باید همه دنبال کنند.

نمی‌گیرد اما با توهمین، نفرت‌پراکنی و دو قطبی‌سازی هم حفظ نخواهد شد.

محمد صالح جوکار در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا، درباره این اتفاقات گفت: در شرایطی که ما داغدار رهبر معظم انقلاب هستیم و واقعاً بهترین بهترین‌ها را از دست داده‌ایم، آنچه در برابر دشمن ضرور اهمیت دارد، همراهی در میان جامعه‌ماست. رئیس کمیسیون امور داخلی و شورها تأکید کرد:

شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «همان که سنگش می‌زند؛ سنگتان را به‌سینه می‌زند» فارغ از تعبیرهای سیاسی، یک پرسش اساسی مطرح است: در مقطعی که کشور با چالش‌های مهم اقتصادی، امنیتی و دیپلماتیک روبه‌روست و مسئولان از ضرورت همگرایی سخن می‌گویند، چه نتیجه‌ای از تبدیل اختلاف‌نظرهای سیاسی به‌نزاع خیابانی، توهمین و نفرت‌پراکنی حاصل می‌شود؟

مخالفت با یک توافق یا نقد عملکرد دولت، بخشی از فرایند طبیعی سیاست است، اما عبور از مرز نقد و رسیدن به توهمین، بر چسب‌زنی و تخریب شخصیت مسئولان، نه‌کمکی به اصلاح تصمیمات می‌کند و نه دست‌آوردی برای منافع ملی دارد. برعکس، چنین رفتارهایی شکاف‌های سیاسی را عمیق‌تر کرده و پیام نادرستی را به‌رپیروان کشور مخابر می‌کند.

تجربه نشان داده است که هر زمان فضای سیاسی به‌سمت دو قطبی‌های تندو حذرفر قیپ حرکت کرده، هزینه آن را کل جامعه پرداخته‌است. اکنون که کشور در آستانه مرحله‌ای تازه از تعاملات خارجی قرار گرفته و بسیاری از مسئولان بر همدلی و پرهیز از اختلافات داخلی تأکید دارند، انتظار می‌رود همه جریان‌های سیاسی، به‌ویژه آنان که خود را مدافع منافع ملی می‌دانند، میان «قد» و «تخریب» مرز روشنی قائل شوند. وحدت ملی با سکوت در برابر اختلاف‌نظرها شکل

از «نمی‌پذیریم» تا «مرگ بر سازشگر»؛

وحدت ملی با نفرت‌پراکنی حفظ نمی‌شود

علیه مسعود پز نشکیان، عباس عراقچی و محمدباقر قالیباف، فضای مراسم را تحت تأثیر قرار دادند. تصاویر منتشر شده نشان می‌دهد که رئیس‌جمهور با شعارهای توهین‌آمیز خطاب قرار گرفت و در فیلمی دیگر، عده‌ای با پر تاب‌سنگ به سمت عباس عراقچی و خطاب کردن او با الفاظ توهین‌آمیز، صحنه‌هایی را رقم زدند که واکنش‌های گسترده‌ای را در پی داشت.

این اتفاقات در حالی رخ داد که طی روزهای اخیر، شخصیت‌های مختلف سیاسی، نظامی و مذهبی، فارغ از گرایش‌های جناحی، بر ضرورت حفظ انسجام داخلی تأکید کرده‌اند. تجربه سال‌های گذشته هم نشان داده است که در بزنگاه‌های حساس، سرمایه اصلی کشور نه اختلافات سیاسی، بلکه وحدت و همبستگی ملی است. در همین راستا، محمد مهاجری، فعال سیاسی اصولگر، در پیامی خطاب به محمدباقر ذوالقدر، دبیر شورای عالی امنیت ملی، با انتقاد از شعارها و توهمین‌های مطرح‌شده در مراسم تشییع نوشت: «شعارها و فحش‌های زشتی که در مراسم تشییع رهبر شهید علیه عراقچی و قالیباف داده می‌شود، حتماً فتنه‌ساز است. سکوت شما و برخی از اعضای شورای مطان همراهی با این شعارها و ناسزاهاست و خود عامل فتنه‌بزرگ‌تری است»

حسام‌الدین آشنا نیز به‌هتاک‌های صورت‌گرفته علیه عباس عراقچی و واکنش نشان داد. او در پیامی در

رئیس کمیسیون امور داخلی و شورا‌های مجلس با تأکید بر اینکه امروز بیش از هر زمان دیگری کشور به وحدت و همدلی نیاز دارد، دو قطبی‌سازی را خواست دشمن دانست و گفت: اگر قرار است انتقام خون شهدا گرفته شود، این هدف تنها در سایه انسجام ملی و پرهیز از اختلافات داخلی محقق خواهد شد.

به گزارش ایلنا، در شرایطی که تقریباً همه مقامات و جریان‌های سیاسی بر ضرورت حفظ وحدت ملی و انسجام داخلی تأکید می‌کنند، گروهی از تندروها مسیر دیگری را در پیش گرفته‌اند؛ مسیری که نه تنها نقد سیاسی را پشت سر گذاشته، بلکه با توهمین، تخریب و دو قطبی‌سازی، سرمایه اجتماعی کشور را هدف قرار داده است.

از نخستین ساعات اعلام تفاهم‌نامه، تجمع‌هایی با شعار «نمی‌پذیریم» شکل گرفت؛ اما اعتراض به متن توافق خیلی زود جای خود را به حمله مستقیم به مسئولانی داد که در روند مذاکرات نقش داشتند. عباس عراقچی، محمدباقر قالیباف و مسعود پز نشکیان، هدف شعارهایی قرار گرفتند که آنان را «سازش» متهم می‌کردند.

اوج این رفتار هادر مراسم تشییع رهبر شهید انقلاب اسلامی رقم خورد؛ در مراسمی که قرار بود نماز وحدت، همبستگی و انسجام ملی باشد، در میان جمعیت، گروهی با سر دادن شعار «مرگ بر سازشگر» و شعارهایی